



جمهور اسلامی کارخانجات و شرکتها را به حراج گذاشته است!

داور

بیکاری و فقر و بیماری و فروش اعضای بدن و تن فروشی و ناهنجاریهای اجتماعی اعتیاد، قاچاق، قتل و جنایت حاصل سیاستهای مافیای اقتصادی و سیاسی و مدیریتی جمهوری اسلامی در این دوره ۲۵ ساله اخیر است. طبق آمار بیکاری آشکار که بالای ۶ میلیون نفر تخمین زده می شود و اگر ۶ میلیون بیکار را در اجتماع خانواری محاسبه و جمعیت متوسط خانواده در ایران ۵ نفر می باشد جمعیتی معادل ۳۰ میلیون یعنی حدود ۵۰ درصد جمعیت ایران، انسان از بزرگ و کوچک گشنه سر به زمین میگذارند و بی پناه و با امراض و ناملایمتهای مختلف در انتظار مرگ زود رس هستند، این تنها گویای رقم بیکاری آشکار نه چندان دقیق است. این همه فلاکت در نگاه نحست به سیاستهای رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی که در ادامه سرکوب داخلی و انحراف انقلاب مردم ایران جنگ ۸ ساله ای را با ادعای دفاع از کشور و اسلام به ملت‌های ایران تحمیل و چندی بعد با شعار فتح کربلا و ادامه جنگ ارتجاعی برمی گردد. حاصل این دوره میلیونها آواره

بقیه در صفحه ۳

در صفحات بعد:

صفحة ۴

زلزله در ایران و راههای مقابله با آن

صفحة ۷

خطرات زندان

صفحة ۹

دیدگاه یک هموطن

صفحة ۱۱

چند خبر

صفحة ۱۴

بشنوید از معاملات پرسود پشت پرده، ...

صفحة ۱۴

ارزبان مقامات!

صفحة ۱۵

کس نخارد پشت من، جز ناخن انگشت من!

صفحة آخر

اعتصاب کارگران نورد اهواز!

پیرامون تحصن درمجلس شورای اسلامی، تحریم انتخابات فرمایشی و راه و چاره ها!

حضور شرکت در انتخابات زمانی معنی دارد که جامعه و حکومت از ساختاری دموکراتیک بر اساس نظر جمهور مردم برخوردار باشد در غیر این صورت شرکت در انتخابات جز ناپید تداوم استبداد مشروعیت بخشیدن به آن و تداوم بردگی موجود نیست، باید ابتدا نیروهای اجتماعی و سیاسی انقلابی و حامی آزادی و برابری به قوه مردم در یک مبارزه سازمان یافته و هدفمند در کار در هم شکستن چنین ساختاری باشند تا بتوانند ساختارها و بنیاد های دموکراسی مبتنی بر اراده آزاد مردم برپا دارند امروز که بر متوهم ترین اقشار اجتماعی نیز روشن شده است که از طریق انتخابات و توسل به فرم در ساختار نظام ارتجاعی حاکم، حقوق دموکراتیک مردم برپا نخواهد شد ضمن عدم شرکت در انتخابات باید با تشکیل کمیته های کارخانه و کمیته های اعتصاب، شوراهای و انجمن های ایالتی و ولایتی در مقابل اقدامات رژیم حاکم ایستاد و با سنگر بندی توده ی قدرت واقعی مردم را به منصفه ظهور رسانده برای سرنگونی آن تدارک دید! چند روزی است که با نزدیک شدن تاریخ (انتخابات) مجلس ارتجاع سردمداران رژیم از هر دو جناح و همسپور افراد و جریانات سیاسی حول وحوش آنها به تکاپو افتاده اند رقابت بین جناح های قدرتمند نظام برای در دست گرفتن مجلس هفتم فشرده و فشرده تر میگردد، اخیراً با حذف تعداد زیادی از کاندیدا های جناح موسوم به اصلاح طلب و با تحصن و بست نشستن عده ای از نمایندگان فعلی و آتیه ای که از طریق هیات های نظارت شورای نگهبان رد صلاحیت شده اند این رقابت شکل ویژه ای بخود گرفته و چالشهای دوطرف در آستانه انتخابات مجلس هفتم را به مرحله ای رسانده است که تقریباً همه توجهات رسانه های جمعی را بخود جلب کرده است سوال این است که با وجود اینکه حضور جناح موسوم به اصلاح طلبان و یا به عبارت دیگر وجود قدرت دوگانه تا این لحظه به نفع کل نظام عمل کرده و وسیله ای بوده در توجیه سرکوب ها و غارت و چپاول دسترنج توده های زحمتکش مردم و فریب افکار عمومی و در عرصه بین المللی هم وسیله ای بوده در دست دولت ها برای فریب افکار عمومی در حمایت از این نظام، و رهبران رژیم از این دوگانگی بمثابه چماق دوسر طلا هرجا که لازم بوده ((نشانه ای از دموکراسی و وجود مردم سالاری و جمهوریت)) دم زده و در زمان دیگر از چماق ولایت فقیه سود برده، چگونه است که اکنون جناح قدرتمند تر آن در پی حذف کامل جناح مقابل برآمده است، در حالیکه میدانند اگر کل نمایندگان این جناح هم وارد مجلس بشوند با توجه به امکانات و محدودیت های قانونی اگر هم بخواهند کاری از دست شان برنخواهد آمد.

بقیه در صفحه ۲

کار، مسکن، آزادی، جمهوری فدراتیو شورایی!

پیرامون تحصن درمجلس شورای اسلامی،...

بقیه از صفحه اول

پیش بردن منافع اقتصادی خود تلاش میکنند. از طرفی نیروها و حکومت های نامشروع و ارتجاعی و سرکوبگر علیرغم تنفر مردم و فقدان مشروعیت لازم، لاجرم همواره برای دادن مشروعیت ظاهری بخود نیازمند حفظ پایه های ثابت خود و از طریق فعال کردن آنها دست یابی به آرای بیشتر و یا تقلب در نتیجه انتخابات هستند و این روشها یکی از تاکتیک های ثابت آنها محسوب میگردد. بنا براین است که هرکدام از این جناح ها تلاش میکنند با اعلام سیاست ها و خواست های یک بام و دو هوای خود درعین رسیدن به سازش از طریق دادن وعده و وعید هواداران ثابت خود را راضی نگه دارند و از این طریق موقعیت خود را درمقابل دیگری تقویت کنند از این نظر است که دامنه حذف شورای نگهبان این بار دامن رهبران جناح مقابل از جمله افرادی صاحب نفوذ و قدرت نظیر بهزاد نبوی ها را هم دربرمیگیرد.

پس ما شاهد یک جنگ قدرتی هستیم بین جناح های درون رژیم، که درعین حال انعکاسی است از رقابت بخش های مختلف بورژوازی ایران برای دراختیار گرفتن سهم بیشتری از منابع ثروت و قدرت.

واقعیت این است که رهبران رژیم میدانند که مردم چه این کشمک ها را صوری و نمایشی بدانند و چه آنها توطئه ای از پیش طراحی شده و چه تحلیلی واقع بینانه از کشمکش درونی رژیم درآستانه انتخابات مجلس هفتم بدست آورند، دراین انتخابات شرکت نخواهند کرد. ورژیم مستاصل از اعتراضات توده ای و اعتصابات کارگری، و نفرت مردم از هر دو جناح، در تلاش است تا از یک طرف همزمان با حذف عناصر مزاحم تئور انتخابات را داغ کند و درعین حال درعرصه بین المللی و با توجه به نقش و موفقیت آن در منطقه مذاکره با اتحادیه اروپا و سازش با آمریکا را با موفقیت به پیش ببرد، باید در نظر داشت که هم اکنون جمهوری اسلامی در صحنه جهانی همچون داخل کشور از هر زمان دیگر منزویست. این رژیم بارها و بارها توسط دوست و دشمن و حتی آنهايي که بخاطر مصالح اقتصادی خود چشم بره جرات این رژیم بسته اند بخاطر نقض حقوق بشر، حاکمیت استبدادی و ارتجاعی و غیر دموکراتیک، فقدان انتخابات آزاد و وجود ارگانهای متعدد انتصابی و غیره محکوم شده است و در نزد افکار عمومی جهان از هیچ پایگاهی برخوردار نبوده و بعنوان یک رژیم سرکوبگر و نافی ابتدایی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی مورد تنفر عمومیست. از طرفی نگاهی به قانون اساسی، برخورد شورای نگهبان و قدرت و امکانات مجلس تشخیص مصلحت و خود ولایت فقیه بروشنی نشان میدهد که مجلس موجود حتی اگر بفرض محال از طریق یک انتخابات آزاد هم تشکیل شود، مجلسی نخواهد بود که سردمداران نظام از کارکرد آینده آن نگران بوده باشند، درعین حال جناح دیگر تحت عنوان اصلاح طلب و تمامی احزاب و افراد و جریانات ریز و درشت داخل و خارج از کشوری آنها نه قادرند و بخاطر منافع طبقاتی و موقعیت خود

بقیه در صفحه بعد

در پاسخ به این سوالات است که عده ای آنها نمایشی از پیش طراحی شده برای کشیدن مردم به پای صندوق های رای و به عبارت دیگر بازی برای داغ کردن تئور انتخابات میدانند، عده دیگری دعوای سطحی گروه ها و باندهای حاکم برای گرفتن امتیاز و محکمتر کردن جایگاه خود در قدرت حاکمه ارزیابی میکنند و عده دیگری هم آنها جنگ زرگری بین جناح های حاکم میدانند. اما هیچکدام این مواضع و دیدگاه ها در تاریخ حیات جمهوری اسلامی نازگی ندارند که کشمکش حول این دوره از انتخابات را از ویژه گی برخوردار کرده و آنها از انتخابات گذشته متمایز سازد، برای اینکه این ویژه گی را درنایم لازم است ابتدا ارزیابی خود از نتایج و چشم انداز این دوره از انتخابات را روشن کنیم و ببینیم که باتوجه به عدم کارایی مجلس در چهارچوب قوانین اساسی و وجود شورای نگهبان و چندین و چند ارگان دیگر چرا وجه نیازی وجود دارد که در شرایط کنونی شورای نگهبان اینچنین به رد صلاحیت گسترده کاندیداهای جناح مقابل دست زده است؟

ارزیابی از شرکت مردم و نتیجه آن

تا این لحظه تمام شواهد و قرائن و حتی نظرسنجی های ارگانهای مختلف حاکمیت و بویژه میزان شرکت مردم در انتخابات شوراها و با توجه به نتایج انتخابات گذشته از جمله مجلس ششم و عدم تحقق حد اقل خواست هایی که مردم به تئور پاسخ گرفتن از نتیجه فعال بودن خود در انتخابات قبلی، انتظار داشتند، همه و همه مبین این واقعیت است که مردم از انتخابات پیش روی استقبال نخواهند کرد و در سطح گسترده ای حد اقل در شهرهای بزرگ آنها تحریم خواهند نمود. و این عدم شرکت هم جز نه گفتن چندین باره به کلیت نظام در حال حاضر معنی دیگری دربر ندارد چرا که مردم بارها و بارها در چهارچوب یک چنین نمایش انتخاباتی به جناح موسوم به اقتدار طلب نه گفته اند بارها و از طریق اعتصابات و تظاهرات و حرکت های توده ای و از جمله در انتخابات شوراها شهری هم به اصلاح طلب ها و هم به جناح مقابل پاسخ داده و ناکارایی شرکت در انتخابات و بطور کلی تغییر از درون رژیم را تجربه کرده و به چالش طلبیده اند.

پس در چنین شرایطی رقابت بین جناح های درون حکومتی با چشم انداز عدم شرکت مردم به نیروهای ثابت دو جناح محدود و رقابت بین آنها را تشدید میکند.

یعنی این رقابت پرواضح است که نه میان احزاب و سازمانها و نیروهای مترقی و ارتجاعی و نه یک رقابت نورمال برای کسب کرسی های مجلس از طریق مراجعه به آرای عمومیست، بلکه رقابت بین آن دسته از سردمداران حکومتی و نیروهای اقتصادی پشت سر آنهاست که هر کدام به نیروهای خاص و ثابت خودشان در پایه متکی هستند که برای در دست گرفتن اهرم های سیاسی برای

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

پیرامون تحسن درمجلس شورای اسلامی...

بقیه از صفحه قبل

کارگران وزحمتکشان! توده های زحمتکش مردم، جوانانی که از ظلم و ستم واستثمار نظام ارتجاعی حاکم به تنگ آمده اید، تحریم انتخابات هر چند که مثبت و بیانگر خواست روشن مردم مبنی بر سرنگونی این رژیم است اما ناوقتی که با اقدامی مثبت و آلترناتیوی درخور جواب نگیرد این رژیم وهر رژیم ارتجاعی دیگر با مشارکت حتی درصد کمی از مردم و طرفداران خود نیز قادر است به حیات سرکوبگرانه خود ادامه دهد. از هر فرصتی استفاده کرده و با تشکیل کمیته های کارخانه، کمیته های اعتصاب، شوراها وانجمن های ایالتی و ولایتی در برابر مجلس ارتجاع، ولایت فقیه و کل نظام حاکم بایستید و برای سرنگونی رژیم ارتجاعی حاکم و بدست آوردن آزادی برابری و حق تعیین سرنوشت خویش آماده شوید.

جمهور اسلامی کارخانجات و شرکتها را...

بقیه از صفحه اول

صدها هزار کشته و معلول جنگی شامل فجایع و عوارض مستقیم انسانی بود و هزاران نفر اعدام و زندانی که جای خود دارد. شهرها و کارخانه ها روستاها ویران شدند باغها و مزارع و زمینهای کشاورزی نابود شدند. صنایع بخصوص صنایع نفت در زیر موشکها و بمباران ها از بین رفتند و بسیاری از مردم بیکار و آواره گردیدند. صدها میلیارد دلار خسارت حاصل از جنگ عاید مردم شد و بی گمان کمپانی های صنایع نظامی، نفتی حتا صنایع نظامی اسرائیل سودهای کلانی بردند و هم از عایدات بعد از جنگ با قراردادهای عظیم نظامی و نفتی. اما در داخل نیز سرداران جنگی و تیمساران دلال، مافیای بازار و اعوان انصار دولتی از خیر و برکت پورسانتهای دلالی ابزار و صنایع جنگی به باندهای مافیای مالی تبدیل شدند. پاسداران و نزدیکان حکومتی به ژنرالهای میلیاردی و به دلالتان ابزار جنگی تبدیل شدند. این اواخر هم که فعالیتها هسته ای صلح آمیز و یا خصم آمیز وارد معامله ای بسیار خطرناک و با پورسانت بسیار بالا با شرکتهای انحصاری از انگلستان و هلند و امریکا شدند.

نگاه دوم به صنایع و منابعی که به نوعی مالکیت عمومی بر آنان برقرار و در اختیار دولت قرار دارد و بنا بر سفارش بانک جهانی پول به حراج در بازار مکاره گذاشته شده است. مالکیت عمده بر صنایع مادر و نفت و گاز و برق و پتروشیمی شرکتهای خدمات دولتی حمل و نقل هوایی و دریائی و... و یا شرکتهای و موسسات بزرگ تجاری و تولیدی و خدماتی که در مالکیت ارگانها و بنیادهای وابسته به دربار و خاندان

بقیه در صفحه بعد

نه حاضرند برنامه ای مشخص و استراتژیک مان ناظر بر بیان منافع توده های مردم ارائه دهند هم اکنون سقف خواسته های آنها اعم از متحصنین و جریانهای طرفدار آنها از کف خواست های افشار متوسط جامعه هم پائینتر است، چه رسد به خواست آزادیخواهانه و برابری طلبانه کارگران و توده های عظیم مردم ایران، فشار بیش از حد شورای نگهبان بر جناح مقابل با علم رهبران رژیم به همه آنچه که عملکرد مجلس و وجود هر دو جناح در عرصه سیاسی به نفع حفظ نظام گفته شد بیش از هر چیز انعکاس فشاری است که از پایه های توده ای و طرفداران پروپا قرص آنها ناشی میشود. که برای حفظ موقعیت خود و یا به توهم تحقق آرزوهایشان بدون توجه به ملاحظات رهبران هر دو جناح در بالا، مطرح میشود. بنابراین است که این کشمش ها در استراتژی رهبران جمهوری اسلامی در کلیت ایش در عین حال ناظر بر داغ کردن هر چه بیشتر تور انتخابات نیز هست که رژیم برای مشروعیت بخشیدن به تداوم حضور خود سخت به شرکت بیشتر مردم در انتخابات احتیاج دارد و نتیجه اینکه اگر جنبش توده ای ناگهانی این معادله را بهم نزند در بهترین حالت رهبران هر دو جناح رژیم برغم تمایل طرفداران خود دریابین، آن چنان سازشی را سازمان خواهند داد که در عین حال که بتوانند بخشی از مردم را بار دیگر متوهم کرده و به پای صندوق های رای بکشاند و توازن لازم را در مجلس ایجاد و به ساختار حکومتی خود انسجام بدهند.

در چنین شرایطی که اکثریت مردم بعد از کسب تجربیات فراوان و به بهایی بسیار گران باین نتیجه رسیده اند که این نظام اصلاح پذیر نبوده و شکست در انتخابات هیچ تغییر مثبتی در زندگی سیاسی و رفاه اقتصادی آنها بوجود نخواهد آورد، به نحو گسترده ای انتخابات رژیم را تحریم و در آن شرکت نخواهند کرد.

حضور شرکت در انتخابات زمانی معنی دارد که جامعه و حکومت از ساختاری دموکراتیک بر اساس نظر جمهور مردم برخوردار باشد در غیر این صورت شرکت در انتخابات جز ناپید تداوم استبداد مشروعیت بخشیدن به آن و تداوم بردگی موجود نیست، باید ابتدا نیروهای اجتماعی و سیاسی انقلابی و حامی آزادی و برابری به قوه مردم در یک مبارزه سازمان یافته و هدفمند در کار در هم شکستن چنین ساختاری باشند تا بتوانند ساختارها و بنیاد های ماهوی دموکراسی مبتنی بر اراده آزاد مردم برپا دارند امروز که بر متوهم ترین افشار اجتماعی نیز روشن شده است که از طریق انتخابات و توسل به رفم در ساختار نظام ارتجاعی حاکم حقوق دموکراتیک مردم برپا نخواهد شد ضمن عدم شرکت در انتخابات باید با تشکیل کمیته های کارخانه و کمیته های اعتصاب و شوراها و انجمن های ایالتی و ولایتی در مقابل اقدامات رژیم حاکم ایستاد و با سنگر بندی توده ی قدرت واقعی مردم را به منصف ظهور رسانده برای سرنگونی آن تدارک دید!

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

جمهور اسلامی کارخانجات و شرکتها را...

بقیه از صفحه قبل

گردید در این مرحله از خصوصی سازی کارگران از امنیت شغلی خارج شدند و بشدت ضربه پذیرگشتند.

واگذاری صنایع و بازخريد کارگران در نبود آگاهی از اهداف این برنامه بخش عمده ای از کارگران با حساب اینکه می توانند در مقابل دریافت مبلغی بازخريد و دوباره با مزد بالاتر استخدام شوند تن به این کار دادند. با افشا سیاست ارتجاعی واگذاری صنایع و اخراجهای دسته جمعی و از بین بردن ثبات شغلی اعتراضات کارگران شروع و ادامه روند واگذاری صنایع را با مشکلاتی روبرو ساخت. واگذاری صنایع و شرکتها بزرگ بین دولت و بنیادها بخصوص بنیاد مستضعفان رغابتی بوجود آورد. بازار سنتی و نهادهای مذهبی با نفوذ در بنیادها، آستانها و کمیته های امداد واگذاری صنایع و کارهای خدماتی را به بازاریان و افراد نزدیک به خود حواله می دهند. این سرمایه داران کارخانجات و موسسات تولیدی و خدماتی را نه به عنوان محل کار بلکه به عنوان منبع تجاری به حساب می آورند، بطور نمونه می توان از شرکت چیت ری مثال آورد که بازاریانی کارخانه را بدست می آورند و نخست زمینهای مرغوب آن را فروخته و بعد ماشین آلات و حتا بشکه ها را بفروش می رسانند و بعد اعلام ورشکستگی میکنند. صنایع واگذار شده از طرف دولتی نیز وضعیت مشابهی دارند که با شعار بازسازی و نوسازی صنایع به اخراج کارگران انجامید و صنایع به رکود کشانده شد و یا موقعیت محلی و اسمی کارخانه و یا شرکت را تغییر داده و ماشین آلات و امکانات را انتقال دادند و برخی از صاحبان خصوصی جدید نیز از قبیل نختاب فیروزان تبریز با دریافت وام کلان به تاسیس و ثبت شرکت جدید اقدام نمودند.

از آنجائی که دوران حکومت جمهوری اسلامی انباشت اولیه سرمایه نه براساس روند طولانی تولید و مبادلات کلائی بلکه از غارت منابع و امکانات داخلی صورت گرفته است بنابراین سیاست واگذاری دولت نیز راهی بجز غارت بیشتر نیست. بنابراین رژیم ترجیح می دهد بصورت مستقیم کارخانجات و کارگران را یکجا به سرمایه داران واگذار نماید. رژیم برای واگذاری صنایع به گرفتن برخی امتیازات کارگری در قانون کار اقدام و کارگاههای کمتر از ۵ نفر را از شمول قانون کار خارج ساخت. در ظاهر چنین اقدامی از طرف دولت نشان از حمایت کارگاهها و شرکتها تولیدی که عموماً در تولید پوشاک و خدماتی و واحدهای کوچک کشاورزی بود در صورتی که عموماً در این واحدها کارگران به طور موقت و قراردادی و یا پیمانی دعوت به کار میشوند و یا بیشترین معضل آنها مالیات و ماموران مالیاتی و تقاضای کالا و یا

بقیه در صفحه بعد

پهلوی و سرمایه دارن حکومتی بود با انقلاب بهمن علاوه بر اینها بخشی از صنایع خصوصی نیز مصادره و در اختیار قوه اجرائیه جمهوری اسلامی و بنیادهای مستضعفان و علوی و... قرار گرفت که سیاست مدیریتی آن از طریق نهادهای مذهبی و بازار سنتی تدوین می شد، باعث از هم پاشیدگی صنایع اساسی و تمرکز سرمایه در بازرگانی و تجارت گردید.

با روی کار آمدن دولت هاشمی رفسنجانی با سیاست بانک جهانی و صندوق بین المللی پول هموار کرد و خصوصی سازی و واگذاری بخشهای سودده اقتصادی به سرمایه داران و تغییر ساختار مالکیت بر صنایع و شرکتها در راس برنامه ها قرار گرفت. وامهای جهانی برای اقتصاد زیر بنائی و اجرای طرحهای تکمیلی از مخارج عمومی برای پشتیبانی از صنایع جانبی سودآور و واگذاری مالکیت و مدیریت به بخش خصوصی انجام می شد. ایجاد نیروگاهها، سدها، اسکله ها و مراکز آزاد تجاری را برای ایجاد زمینه فعالیت برای بخش خصوصی در صنایع جانبی و موسسات تجاری آماده می کرد. در مورد نیروی انسانی نیز دستورالعملهای مشخص از قبیل کاهش نیروی کار در بخشهای تولیدی و تجاری و پائین آوردن ارزش نیروی کار با کاهش دست مزد و در نهایت واگذاری مزد و استخدام و نحوه استخدام به سرمایه داران و مدیران بخشهای خصوصی.

در مرحله نخست طرح خصوصی سازی یا واگذاری صنایع و خدمات عمومی به سرمایه داران رده های اول و دوم رژیم و تعدادی از فرماندهان نظامی که از برکت جنگ به ثروتهای کلان رسیده بودند بخشهایی از صنایع را در خفا تصاحب کردند. واگذاری صنایع و موسسات دولتی به دو شیوه انجام گرفت، یکی خروج شرکتها دولتی از حسابرسی دولتی و ایجاد شرکتها جانبی با تقویت اختیارات مدیران با شعار کم کردن حجم دولت تا واحدهای نیمه دولتی را نیز کاملاً به صورت خصوصی درآورد و تمامی کارهای خدماتی و تجاری ادارات موسسات دولتی به بخش خصوصی که در این دوره بیشتر شامل نهادها و سازمانهای امنیتی و مذهبی می شد واگذار گردید. در این واگذاری کارگران از چارت تشکیلاتی این شرکتها خارج گردید و اخراج و یا بازخريد شدند و کارمندان نیز بازخريد و تعدادی نیز به صورت مأمور در آن شرکتها ماندند و استخدامهای جدید بصورت پیمانی یا قراردادی درآمد. در بخش کار یدی کارگران از استخدام دولتی خارج و بازخريد شدند و در صورت خواست پیمانکار به کار قراردادی یا پیمانی مشغول شدند. این عمل در شهرداری ها منجر به شرکتها پیمانکاری شد و در وزارت بازرگانی به ایجاد شرکتها بزرگ تجاری و حمل و نقل منتهی

جمهور اسلامی کارخانجات و شرکتها را...

بقیه از صفحه قبل

خدمات است. توزیع تولیدات مصرفی در انحصار بازار و ارائه خدمات از طرف ارگانهای دولتی صورت می گیرد. ادامه این روند نیاز به نیروی کار ارزان و کارگران بی هویت داشت. آنچه که از این رهگذر عاید کارگران شد جدای از بیکاری و فقر و فلاکت ضربه بزرگی به هویت حقوقی کارگران و در کل به طبقه کارگر وارد آمد و در ادامه طرح جدیدی ارائه گردید و آن خارج کردن کارگاهها و شرکتهای زیر ۱۰ نفر از شمول قانون کار است با وجود اینکه این طرح و حتی در بسیاری از واحدهای بزرگ هیچگونه حقی برای کارگران در نظر گرفته نمی شود و در ادامه سیاست واگذاری و تقویت بخش خصوصی رژیم راهی جز تشدید استثمار و هجوم به حقوق کارگران نمی شناسد، از طرف دیگر رژیم سعی دارد با تغییر کاربری و تغییر خط تولید و یا واحد واحد کردن مجتمع های صنعتی کلیدی و با اعلام ورشکستگی کارخانجات و فشارهای روحی و پخش اخبار و شایعه، کارگران را به قبول شرایط وادارد. در مرحلهی شایعات واگذاری سهامی برای کارگران در نظر گرفته می شود تا کارگران را به پذیرش واگذاری راغب نمایند. هر چند تعدادی از کارخانجات از قبیل صنایع بهشهر به صاحبان قبلی سپرده شدند و با توافق و همدستی با رژیم کارخانه ها را تحویل گرفته و با فروش و واگذاری کارخانه مقداری پول گرفته و رفتند.

ولی واگذاری برخی از شرکتها و کارخانجات که در مراحل اولیه سهامی برای کارگران در نظر گرفته شده بود، در مرحله اجرا ترکیب واگذاری به نفع مدیران و افراد معرفی شده تمام شده و تعدادی از سهام نیز در بازار بورس به فروش می رسد. در این مورد می توان به بسیاری از کارخانجات اشاره کرد که مورد جدید آن واگذاری سهام موتورسازی کارخانه تراکتورسازی تبریز اشاره کرد که انجمن اسلامی در صدد دریافت سهام ارزان و بیشتر است و کارگران با طرح واگذاری مخالفت دارد و به اعتراض دست زده اند.

دامنه این واگذاری ها بر خلاف قانون اساسی شرکت نفت و پتروشیمی را نیز بعد از ورود زنگنه و تیم همراه وی در بر گرفته است ولی این بخش از پیچیدگی خاصی برخوردار است و از آنجا که سرمایه گذاری در این بخش بدون حمایت مالی دولت و منابع مالی خارجی امکان پذیر نیست به دنبال ایجاد راه های قانونی، دست به ایجاد و یا انتقال شرکتهای خدماتی و اجرائی، در پخش و خط انتقال و خدماتی به بخش خصوصی زدند و برای واگذاری حق امتیاز کشف و بهره برداری از منابع نفت و گاز به شرکتهای خارجی اقدام به تاسیس شرکتهائی در

زلزله در ایران و راههای مقابله با آن

نظام ما بری

زمین لرزه ای به قدرت حداقل ۶/۳ ریشتر در استان کرمان، صبح روزجمعه ۳۱ دسامبر، باعث مرگ حدود ۵۰ هزار نفر و مجروح شدن بیش از ۱۷ هزار نفر گردید. در شهر بم بیش از ۷۵ درصد خانه ها و ۸۰ درصد بنای تاریخی ارگ بم تخریب شد. در این حادثه از ۲ هزار کودک بی سرپرست، حدود هزار کودک حتی قادر به گفتن نام خود نیستند. براساس آمار رسمی مکان ۵۰۰ کودک و آمار غیر رسمی مکان ۲۰۰۰ کودک نامعلوم است. در این حادثه ۸۰۰ زندانی گریختند. در ساعات اولیه این حادثه به برخی از زنان و دختران بم، تعرض صورت گرفت و افرادی با پوشش موسسات خیریه، و یا به بهانه سرپرستی، زنان و

بقیه در صفحه بعد

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

زلزله در ایران و راههای مقابله با آن

بقیه از صفحه قبل

فروش شده اند و یا در بیمارستانها بستری و کلیه هایشان درآمده و فروخته شده اند، و در حال حاضر ۶۰۰۰ کودک بی سرپرست نگهداری می شوند. با توجه به این واقعیتهای، مردم بایستی با تشکیل کانونهای مقابله با زلزله با این سیاست های ارتجاعی مبارزه بکنند از مسئولین توضیح بخواهند که چه اقداماتی برای مبارزه با زلزله اختصاص داده اند؟ آیا طرح تراکم سازی که در تهران اجرا شد، در صورت وقوع زلزله، باعث کشتار بیشتر مردم نخواهد شد؟ با توجه به اینکه می دانیم وظیفه دولتهاست که از امکانات کشور برای مقابله با زلزله و... استفاده کنند ولی از آنجایی که ج. ا فقط به فکر غارت، چپا ول و سرکوب مردم است، در نتیجه مردم بایستی برای مقابله با سیل، زلزله و غیره باز بخود متکی بشوند دست به تشکیل کانونهای مستقل بزنند. برای تشکیل کانونهای مردمی مقابله با زلزله می توانید در هر شهری یک فراخوان عمومی داده و آنموقع گروههای زیر را تشکیل دهید.

۱_ کسانی که می توانند مترجم باشند، در گروه مترجمان، در صورت زلزله، گروههای امدادی خارجی را همراهی خواهند کرد.

۲_ بخش امدادی و کمکهای اولیه

۳_ بخش ارتباطات، کار ارتباط با گروههای مشابه در دیگر شهرها را به عهده می گیرد و یکدیگر را در جریان تجربیات و مباحثات و امکانات خود می گذارند.

۴_ بخش هماهنگی و بین المللی، که به بررسی زلزله های ایران و دیگر کشورها می پردازد و با توجه به کمی و کاستی ها و مشکلات ساعات بعد از زلزله به چاره جویی و ارائه راه حل می پردازد

۵_ گروه مباحثات و مطالعات، که به دعوت سخنرانان متخصص اقدام می کند، از جمله: زلزله شناسان، زمین شناسان، روان شناسان، مهندسی زلزله و خانه سازی، مددکاران اجتماعی و هلا لاکر

۶_ بخش نجات و کمک رسانی

۷_ بخش تدارکات و امکانات

۸_ بخش نشریات و انتشارات کانون مقابله با زلزله

۹_ بخش آموزش همگانی، که در سطح وسیع به آموزش توده های مردم خواهد پرداخت. زلزله های طیس و بوئین زهرا، منجیل و رودبار، قائن، لار و ممسنی بم و... که از سال ۱۳۵۰ تاکنون در مجموع بیش از ۱۱۰ هزار کشته و حدوداً همین مقدار مجروح به جای گذاشته است، که عدم آمادگی مردم و حکومت، در اکثر این موارد وجه مشترک آن بوده است، به همین دلیل، در اولین فرصت مردم باید به تشکیل این کانونهای مستقل برای مقابله با زلزله اقدام کنند.

کودکانی را فریب دادند و ربودند. روز پنج شنبه، اتوبوسی حامل ۵۰ کودک از بم به سمت تهران در حرکت بوده است که توسط پلیس راه اصفهان دستگیر شد و کودکان به بهزیستی ارجاع شدند. بر اثر زلزله، آب، برق و تلفن در شهرستانهای بم، راور، جیرفت، گلبافت و کهنوج قطع شد. مسلماً این زلزله، آخرین حادثه فاجعه آور، نخواهد بود و باز زلزله خواهد آمد، همچنانکه تا روز چهارشنبه، ۳۶ زمین لرزه در ایذه و مسجد سلیمان و ۲۶ مورد در باغملک گزارش شده است. آیا براستی راهی برای مقابله با زلزله وجود ندارد؟ آیا زمانی که مناطق دارای سابقه زلزله، همراه با تلفات سنگین همراه می شود، کسی از حکومتگران مقصر نیست؟ آیا کسی نباید جوابگو باشد؟ جامعه ایران، جامعه ای به حال خود رها شده است. مسئولین و مقامات رژیم نه به فکر مردم هستند و نه خود را پاسخگو می دانند. در رابطه با زلزله، مسئله اصلی و اساسی، پیشگیری و جلوگیری از خسارات و تلفات سنگین است. امروزه، ما اپوزیسیون ج. ا، هر چند که امکانات مالی و انسانی نداریم که بتوانیم یک گروه پژوهشی از متخصصان و مهندسی زلزله، مهندسین خانه سازی، زمین شناسی و غیره تشکیل دهیم و با ارزیابی کارشناسانه، راههای پیشگیری و مقابله با زلزله را بررسی کنیم اما مردم می توانند با تشکیل کانونهای مقابله با زلزله و طرح مسائل اجتماعی و سیاسی مرتبط با آن در حد توانمان با زلزله فعالانه برخورد کنیم. اکنون که رژیم به فکر مردم نیست، مردم باید گروههایی را دا و طلبانه تشکیل دهند و آماده مقابله با زلزله باشند. شهرداری تهران به جای آنکه هم و غمش ایجاد مزاحمت برای شهروندان تهرانی باشد و اینکه چگونه مدارس دخترانه را استتار کند و به دور آن دیوار بکشد، بهتر بود به جای آن راههای مقابله با زلزله را برای حفظ جان همان دختران مدرسه را بررسی می کرد. شهرداری تهران که تلاش می کرد کشته های جنگ را در مراکز تفریحی و در ۷۲ میدان تهران دفن کند، اگر زلزله ای در تهران بیاید و چند میلیون کشته بر جای بگذارد، باز برایشان مهم نیست، چرا که آن موقع همه شهر می شود قبرستان و در مورد کشته های زلزله همان سیاستی را اتخاذ می کنند که در مورد کشته های جنگ اجرا کردند و مانند ۱۸ تیرامسال برای جلوگیری از گسترش مبارزات مردمی، هر از چند گاهی دست به تشیع کشته های زلزله خواهند زد و از طرفی دیگر عده ای با تجاوز به زنان و دختران و یا کودک دزدی و فروش آنها یا فروش کلیه کودکان اما این بار در سطح وسیع و با آمار بیشتری مواجه خواهیم شد. مدیرکل دفتر امور شبه خانواده سازی بهزیستی می گوید: مواردی دیده شده است که پس از سپردن کودکان به خانواده ها، آنها خرید و

خاطرات زندان

قبل از اعدام، حاکمان شرع دختران باکره را به صیغه پاسداران در می آورند؟؟

«روزی که برای بازجوئی مجدد به زندان اوین و یکی از سلولهای "۲۰۹" منتقل شدم. هنگام غروب دختر دانشجوی ۲۰ ساله ای را به سلول آوردند. او از فعالین سیاسی و معتقد به سوسیالیسم بود. همراه نامزدش دستگیر و بعد از یکسال نامزدش اعدام و او نیز در انتظار اعدام بود. ساعتی بعد او را صدا کردند و با چشم بند بردند. برایم تعریف کرد که دادیار گفته است: "حاکم شرع در حکم اعدام قید کرده است که قبل از اعدام باید به صیغه کسی در آورده شود." او را نزدیک صبح آوردند نمی دانم چه ساعتی، سکوت مطلق میان ما بود و من نمی دانستم چه بگویم یا چه باید بگویم. او داخل سلول شد در که بسته شد چشم بند و چادر سیاه را از سر برداشت و در گوشه ای نشست و دو زانویش را بغل گرفت و آرام و بی صدا گریست و من هم ...!»

سیمین آزاد

حقوق زنان به اشکال مختلف مورد تهاجم قرار می گیرد. زنان در بازار کار مورد ستم و استثمار مضاعف قرار می گیرند و از حقوق مدنی نابرابر در جامعه رنج برده و نیز از بی حقوقی و ستم مضاعف در خانواده در امان نیستند. نظام های سیاسی حاکم بر جوامع نیز بنا بر موقعیت اجتماعی زن و سطح مبارزات آنان نگاه های متفاوتی به حقوق زنان دارند که می توان با نگاه بر قوانین حاکم و نحوه برخورد به حقوق زنان، موقعیت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی زنان را مورد ارزیابی قرارداد. در این مورد ایدئولوژی حاکم از جایگاه ویژه ای در تعریف حقوق زن و تدوین قوانین اجتماعی و حقوقی زن دارد. ایدئولوژی می تواند در قالب مذهب نقش بسیار مخربی بازی کند و حقوق زن را خارج از پدیده اجتماعی نگریسته و حقوق اجتماعی و فردی آنرا مورد تعرض مضاعف قرار دهد.

رژیم جمهوری اسلامی نیز توانست با استفاده از ایدئولوژی اسلامی قوانین فوق ارتجاعی با عناوین مجازات اسلامی، قصاص، دیه و سنگسار و ... تصویب و توسط حکام شرع اجرا نماید. با تعرض به حقوق فردی و اجتماعی زنان آنها را به تسلط کامل مردان در بیاورد. رژیم با استفاده از احساسات مذهبی و با طرح شعارهای ظاهرا ضد استثماری و برابری طلبانه و ظاهرا انساندوستانه توانست بسیاری از زنان را بطور داوطلبانه به دفاع از تدوین قوانین ارتجاعی بکشاند و حتا این نوع شعارها در برخی موارد توانست با خواسته بخشی از لایه های عقب مانده جامعه همراه شود. به عنوان مثال می توان به مسئله پوشش و رعایت شئونات

اخلاقی اشاره کرد که مورد توجه جامعه نیز بود ولی با تبلیغ حجاب اسلامی عملا از مرد یک چهره خطرناک و هوسباز ساخت و بسیاری از زنان بتصور اینکه در مقابل چنین موجود خطرناکی باید خود را حفظ نمایند، بدون توجه به اینکه مرد می تواند پدر یا برادر و یا همسر یا همسوی خود و دوست او باشد به حمایت از سیاست رژیم برخاستند. در قوانین ازدواج و طلاق و صیغه نیز به دنبال دفاع از ارزش کالائی خود در مقابل خریدار که همان "شوهر" یا "آقای خانه" نامیده می شود رفته و از نظر مذهبی نیز حجاب و اطاعت از مرد امتیازی برای عبور از پل صراط گردید. این نوع برداشتها و عملکردها عملا به تقویت حق مالکیت مرد بر زن انجامید و زنان از نظر قانونی و شرعی به مالکیت مردان در آمدند و جمهوری اسلامی در سایه این همراهی و نا آگاهی بخش قابل توجهی از مردم به سرکوب بیرحمانه مبارزات برابری طلبانه زنان پرداخت و با اعدام بیشمار زنان آزادیخواه توانست حقوق زن را در جامعه و درون ساختار خانواده متزلزل سازد.

رژیم رفتار عملی خود را با یورش و تهاجم به حقوق زن و تدوین قوانین ارتجاعی شروع کرد و خارج از تعارفات و مداخلی در مورد زن و نقش مادری آن، تهاجم وحشیانه ای به زنانی که در برابر اقدامات ارتجاعی رژیم ایستاده بودند آورد. افشاگریها و مدارک مستدل بجا مانده از زندانیان سیاسی و زنان مبارز می تواند روشنگر دیدگاه و عملکرد فوق ارتجاعی رژیم اسلامی در مورد حقوق زن باشد. رژیم بدلیل ترس از وجود عنصر آگاهی و ایجاد وحشت در میان زنان مترقی از سیاست تحقیر و در هم شکستن ارزشهای اخلاقی زندانیان سیاسی در شکنجه های خود استفاده می کند. با این وجود مقاومت زندانیان سیاسی و افشای این نوع جنایات، رژیم با تفر عمومی در جامعه روبرو گردیده است. یکی از وحشیانه ترین شکنجه ها در مورد زنان، در زندانهای رژیم تجاوز جنسی و یا تهدید به آن است و به شیوه های مختلف صورت می گیرد که در مورد زهرا کاظمی رسوائی جهانی را به همراه داشت. یکی از دیدگاههای ارتجاعی رژیم تجاوزجنسی به دختران باکره قبل از اعدام است که استدلال بسیار بیرحمانه ای دارد. برای توضیح به یکی از مشاهدات خود اشاره می کنم. روزی که برای بازجوئی مجدد به زندان اوین و یکی از سلولهای "۲۰۹" منتقل شدم. هنگام غروب دختر دانشجوی ۲۰ ساله ای را به سلول آوردند. او از فعالین سیاسی و معتقد به سوسیالیسم بود. همراه نامزدش دستگیر و بعد از یکسال نامزدش اعدام و او نیز در انتظار اعدام بود. ساعتی بعد او را صدا کردند و با

بقیه در صفحه بعد

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

خاطرات زندان

بقیه از صفحه قبل

در ایران با تماس با خانواده ها و زنان و دختران می توان به عمق فاجعه رسید. امروزه در میهمانی، اتوبوس، تاکسی، محل کار یا کوچه و بازار داستانهائی از سواستفاده های جنسی از زنان یا دختران بالغ یا خردسال شنیده می شود که بسیاری از آنان حکایت از مافیا و عموماً دست ارگانها و نهادهای رژیم از آن بیرون می آید. در رژیم جمهوری اسلامی خانواده کاملاً بی پناه است و حقوقی برای آن تعریف نشده است و با کوچکترین بحران معیشتی در معرض تلاشی قرار می گیرد و این تلاشی قبل از هر چیز زنان و دختران را آسیب پذیر می سازد. پروسه خود فروشی زنان و دخترانی از خانواده هائی عادی بدون اعتیاد یا امثال آن که در مدت بسیار کوتاهی به این راه کشانده شده اند نشان می دهد که نظام اجتماعی بسیار فاسدی در جامعه وجود دارد و با بیرحمی تمام فرزندان و زنان و دختران خود را به نابودی می کشاند. خانواده هائی که حتا تصور نمی کردند که روزی برای لقمه ای نان و یا دارو و درمان خود و فرزندان بیمار خود به خودفروشی روی آورند.

سال ۱۳۸۰ در محله ای از محلات جنوب تهران در ساختمان سه طبقه ای زندگی می کردم، در دو طبقه دیگر هم دو خانواده فقیر اجاره نشین بودند، صاحب ساختمان هم از دست طلبکاران فراری بود، همسر مالک برای جمع آوری اجاره می آمد. در محله ای که جز محدوده ی شهر تهران، دارای آب و برق و منازل دارای پلاک و آدرس پستی هستند و اغلب ساکنان آن خانه های محقر در آمدشان از راه کار موقت و روزمزد و یا دست فروشی است. در طبقه پایین خانواده ای دارای ۲ فرزند خردسال پسر ۳ ساله و دختر ۵ ساله زندگی می کردند، بتازگی هم نوزاد دختری به آنها اضافه شده بود. زن، جوان و زیبا روی بود و جواثر از شوهر، ۳۰ ساله بود، مرد اغلب ساکت و افسرده می نمود، چهره ای بسیار ساده و روستائی داشت و همیشه به دنبال یافتن کاری بود. حرفه اش نجاری بوده، اما کاری پیدا نمی کرد، کارهای قبلی او همگی روزمزدی و کوتاه مدت بوده اند. گاهی زن به اتاق من می آمد و ضمن تکرار در خواست همیشگی اش مبنی بر پیدا کردن شغلی برای خود او یا شوهرش، درد دل می کرد. او از همه همین درخواست کار را داشت. از "حاج آقا" صحبت می کرد که به آنها کمک مالی می کند و کاری موقت برای شوهرش پیدا کرده بود. "حاج آقا" مردی بلند قد میان سال با عینک ذره بینی تیره رنگ و ریش سیاه و موهای کوتاه با کت و شلوار سیاه و ظاهراً ساکت و اخمو بود. "حاج آقا" زمانی که شوهرش سرکار بود با مقداری پول، میوه و خوراکی برای بچه ها و

بقیه در صفحه بعد

چشم بند بردند. برایم تعریف کرد که دادیار گفته است: "حاکم شرع در حکم اعدام قید کرده است که قبل از اعدام باید به سیغه کسی در آورده شود." او را نزدیک صبح آوردند نمی دانم چه ساعتی، سکوت مطلق میان ما بود و من نمی دانستم چه بگویم یا چه باید بگویم. او داخل سلول شد در که بسته شد چشم بند و چادر سیاه را از سر برداشت و در گوشه ای نشست و دو زانویش را بغل گرفت و آرام و بی صدا گریست و من هم ، ، اما هیچ نمی گفتم. ظهر هیچ نخورد. به او اسرار کردم چیزی بخور، به من نگاهی انداخت پر از تعجب، سپس نگاهش را به گوشه ای از سلول دوخت، ساعتی گذشت بعد همراه لبخندی جمله را گفت. او گفت: " نگاه کن در آن گوشه بتون ترک برداشته ، آن گل را بین در حال روئیدن و بیرون آمدن از آنجاست." بعد از ظهر آن روز در سلول با صدای مهیب باردیگر باز شد، زن پاسدار با خنده ابلهانه ای گفت، زهره دیشب خوش گذشت؟ من او را محکم در آغوش کشیده بودم و هر دو می گریستیم. با دیدن نگهبان احمق دوباره همان غرور و روحیه مقاوم بر چهره اش نمایان شد ولی او را برای همیشه بردند و مثل بسیاری که هنوز هم گمشده هستند. او بطور مختصر و با درد فراوان گفت، او را با توجیح شرعی در یک شب برای ۵ نفر از جلادان اوین سیغه کردند و شدیداً مورد ضرب و شتم و تجاوز قرار دادند، چهره حیوانی و وحشتناک خود را بی نقاب، بر او که آخرین روز عمرش را می گذراند نشان داده بودند.

صدور چنین احکامی نشان می دهد که برای اجرای قوانین قرون وسطائی و تهاجم به حقوق زن به احکام علنی صادر شده اکتفا نمی کنند و قضات و حکام شرع در این موارد به کمک می آیند. از اینجاست که مبارزه برای احقاق حقوق زن، مبارزه جدی ایدئولوژیک را نیز نیاز دارد. با اجرای قوانین مجازات اسلامی و احکام شرعی در چند سال اخیر، تعرض جمهوری اسلامی تنها به فعالیتهای اجتماعی و اعتقادی زنان اکتفا نشده بلکه تا حریم خانواده گسترش یافته است. رژیم با صدور دستورالعملهائی به نیروهای امنیتی و انتظامی رفتار و نحوه حضور زنان در جامعه، کوچه و خیابان تحت نظارت مستقیم قرار داده است و بنام رعایت شئون اسلامی و حفظ حجاب اسلامی محدودیتهای ویژه ای بر زنان و خانواده ها ایجاد کرده است. با ایجاد گشتهای مختلف از قبیل مفاسد اجتماعی و خواهران زینب و . . . بسیاری از دختران دزدیده شده و زنان مورد تجاوز قرار گرفتند و حتا با اعترافات شهرام جزایری دختران دزدیده شده سر از شیخ نشینها در آوردند و همکاران اطلاعاتی خوبی برای رژیم شدند.

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

خاطرات زندان

بقیه از صفحه قبل

واقعتهای تلخ را آشکار و ملموس می سازد. بدین خاطر سعی کردم برای بیان واقعیت اجتماعی و رفتارهای ارتجاعی و بی حقوقی زنان از داستانهای واقعی که خود شاهد بودم استفاده کنم به امید اینکه با افشای واقعتهای اجتماعی و چهره واقعی رژیم بتوان در این مبارزه جدی قدمی برداشت.

دیدگاه یک هموطن

امروزه روزی نیست که در هر کوی و برزن هر خیابان و چهارراه قدم بگذارید و با یکی از معضلات رژیم سرمایه داری و مستبد حاکم بر کشورمان از قبیل کودکان خیابانی، معتادین زنان خیابانی، دختران فراری، پسران فراری و بیکاران و بیکاران پنهان برخوردی نداشته باشی حتی در شبهای سرد زمستان چه بسیار بی سر پناهانی که خود را به قیمت داشتن سرپناهی حتی برای یک شب خود را می فروشند و تن به خودفروشی و روسپیگری میدهند. چه بسیار معتادینی که در خیابان آهسته زیر گوش رهگذران زمزمه می کنند آقا هر چه بخواهید داریم ۱۲ سال به بالا حتی شنیده ام که بعضی دختران و زنان جوان خود را برای تهیه لقمه نانی و آفیون به معرض فروش می گذارند. کدام وجدان بیداری است که این مصیبت را ببیند و یا بشنود و بتواند به بهانه اینکه مبارزه اکنون هزینه ای سنگین دارد یا اینکه ما بهای آنرا پرداخته ایم شب را آسوده بسر برد. کجاست آن سرو راست قامت خسرو که با دیدن شخصی کار تن و خواب در ناصر خسرو بخروش در می آمد. کجاست رفیق مادر تا دوباره احمدی را به مردم هدیه دهد که آسودگی خویش را در حالی که خلق گرسنه اند بر نتابد. تو گوساله به تفاله مدفوع همین خلق کنی تغذیه و باز کنی فخر که من سریم اگر خلق گرسنه است به من چه؟ رفقا میدانم که روزی تمامی کسانی که در داخل و چه در خارج به بهانه های مختلف چه در داخل به بهانه هزینه سنگین و روزمره و غیره و چه در خارج که به شکرانه کشورهای غربی بزندگی و روزمره گی افتاده اند روزی در دادگاه وجدان خویش خود را به محاکمه خواهند کشید. الغرض سخن خود را با حسن آغاز میکنم کودکی که دوران کودکی خود را بجای دویدن با همسن و سالهای خود در پی توپ، در محوطه مدرسه اش در حال دویدن است همپای رهگذران خیابان تا شاید با دود کردن اسفند در قوطی کمپوتی که آنرا از ته چند سوراخ زده و یا با چرب زبانی بتواند از آنان سکه ای

بقیه در صفحه بعد

چند نوار ویدئویی به منزلشان می آمد و "زهرا" هم با خواباندن فرزندانش در اتاق مجاور به پذیرائی او می پرداخت و قبل از آمدن شوهرش حاج آقا خانه را ترک می کرد. شوهرش می دانست و روز بروز لاغرتر، ساکتر و غمگینتر بنظر می آمد. روزی زهرا ناله کنان گفت، باز شوهرش بیکار شده و کاری پیدا نمی کند، حتا وقتنهائی که خانه است حاج آقا به منزلشان می آید، زن می گریست و ناله کنان تعریف می کرد. بعدها متوجه شدم که شوهرش بچه ها را مراقبت می کند و "حاج آقا" چنان وقیح بود که با صدای بلند شوهر زهرا را به دیدن فیلم دعوت می کرد. روزی در راهروی ورودی ساختمان خواستم به بهانه ای با شوهر زهرا صحبت کنم متوجه وضعیت بسیار بد روحی او شدم. نگاهش را به زمین مات دوخته بود و صدایش از ته چاه در می آمد. با تبسمی مصنوعی گوئی که اصلا نمی شنود و یا نمی خواهد بشنود، کلیشه وار زیر لب مرتب تعارفات مرسوم را تکرار می کرد. آن زن جوان که کالای مورد معامله بود، "سکس در مقابل غذا برای فرزندانش" ویرانتر از او بود. زهرا برای رهایی از این وضعیت همواره در صحبتهایش می گفت کاری برای شوهرم پیدا کنید؟

در همان ماه ها در خانه ی کوچک دیگری در انتهای همان کوچه خانواده ی یک کارگر ساده راه آهن با ۴ فرزند ۸ تا ۲۵ ساله زندگی می کردند. پدر آنها در پاییز ۱۳۸۰ در صانحه ای در محل کار مرد. مبلغ ناچیزی به خانواده ی او دادند. گرانی و تورم وضعیت آنها را بدتر از گذشته کرد. دو پسر ۸ و ۱۲ سال و دو دختر ۱۶ و ۲۵ ساله به همراه مادر خود با فقر دست به گریبان شدند. شخصی فرصت طلبانه با داعیه کمک سر و کله اش پیدا می شود. او دفترکار در یکی از خیابانهای مرکزی شهر داشت. دختر بزرگ مهناز تعریف کرد که مردی از آشنایان پیشنهاد کرده است خواهر ۱۶ ساله ی او را با حقوق قابل توجه در دفترش بعنوان منشی مشغول کند. خواهر مهناز ۱۶ سال داشت و بسیار زیبا و ساده بود و ترک تحصیل کرده بود. مرد برای دخترک ۱۶ ساله یک مبایل خریده بود، با خواندن صیغه ی محرمت! تنهائی خود با دختر را رسمی ساخته بود، در شبهای تعطیلی بدور از چشم همسرش به منزل آنها می آمد. دختر بچه ۱۶ ساله که در حقیقت معشوقه صیغه ای مرد میانسال بود. با وجود ترس و وحشت افشای موضوع در میان همسایه ها و آشنایان و آرزوی مرگ مادر، این رابطه همچنان ادامه داشت. آن دو دختر جوان وضعیت موجود را بهتر از روسپی گری علنی و یا گدائی و یا مرگ اعضا خانواده از گرسنگی و سرما می دانستند. بیان داستانهای واقعی خانواده ها بخصوص زنان در اجتماع بسیاری از

دیدگاه یک هموطن

بقیه از صفحه قبل

این اطراف و کوچه ها را گشته ام کسی بمن کار نداد شوهرم کارگر بود سال پیش فوت نموده و سه دختر دارم حالا حتی کرایه رفتن به کرج هم ندارم اگر ممکن است پول کرایه ام را بدهی. صورتش سرخ شده بود معلوم بود که اولین بار است که تکدی می کند. از او پرسیدم چطور از این همه رهگذر ما را انتخاب نموده ای؟ گفت ساعتی است که آن گوشه ایستاده ام هر چه کردم نتوانستم به که بگویم تا اینکه دیدم شما با این پسر به مهربانی صحبت میکنید این بود که تصمیم گرفتم که به شما بگویم. در پیش چشم من حسن بزمین نشست و تعداد سی سکه بیست و پنج تومانی از جیبش بیرون آورد و بدقت آنها را شمرد و سپس ده عدد از سکه ها را جلوی زن گرفت. زن نمیگرفت و گفت نه تو از من بدبخت تری. من به او اشاره کردم که بگیر و به او با اشاره فهماندم که من برای حسن جبران خواهم کرد. زن در حالی که قطره اشکی از چشمش سرازیر شده بود حسن را بوسید و پول را گرفت و رفت. من به حسن پانصد تومان دادم حسن گفت نه آقا می خواهم صوابش مال خودم باشد. گفتم حسن جان صوابش مال خودت من اینرا جایزه مردانگی ات میدهم و از او خداحافظی کردم و دور شدم. در داخل پاساژی پسرکی کوچک پنج ساله با تعدادی آدامس نشسته و اصرار برای خریدن میکند پیشش میروم و پس از سلام از او نامش را میپرسم میگوید امیر. امیر جان چند سال داری؟ با انگشت یک دست میگوید پنج. خب امیر چند برادر و چند خواهر داری؟ دو برادر و دو خواهر. همه کار می کنند؟ نه خواهرهایم کوچک هستند. پدرت میگوید کارکنید؟ آره. خودش هم کار میکند؟ آره آقا چرخ داره بار میبرد. بسته ای آدامس از اومیخرم وقتی میپرسم چقدر شد می گوید قابل شما را ندارد. در کنار خیابان دخترکی ده یا دوازده ساله ایستاده و بقدری تند آرایش کرده که میشود او را بجای عروسکهای پشت وپترین مغازه اشتباه گرفت. پرابدی در حالی که دو سرنشین جوان دارد و ضبط و صوت را با صدای آخر باز کرده اند جلوی پایش توقف نموده اند و فقط در آن سرو صدا سه تومن مفهوم بود. ای ای وطن ترا چه میشود.

دریافت کند. به او که میپرسم در کنارش میایستم و پس از سلام از او نامش را سؤال میکنم میگوید حسن آقا. میپرسم چند سال داری؟ می گوید هفت سال. به مدرسه نمیروی؟ نه مدرسه را تعطیل کرده اند. چه کسی مدرسه را تعطیل کرده؟ مالک آقا. حکم تخلیه را گرفت و مدرسه تعطیل شد. خوب چرا به مدرسه دیگری نرفتی؟ دور بود ما برای همین مدرسه نزدیک هم امکان نداشتیم. چند برادر و خواهر داری؟ سه برادر و سه خواهر. همه کار میکنند؟ نه آقا یکی از خواهرهایم مریض است نمیتواند. بقیه چی؟ آره بقیه کار میکنند. پدرت چی؟ او هم کار میکند اگر کار باشد. کارگر است به میدان می رود یک روز کار است یک روز نیست اما همان یک روز هم که کار نیست درمیدان می ایستد تا شاید کاری بیابد. پولت را چه کار میکنی؟ به سه قسمت میکنم یک قسمت برای خرجی، یک قسمت هم برای دکتر و دوا می خواهم و بقیه را پیش مامانم پس انداز میکنم تا سال دیگه بتوانم به مدرسه بروم. میخواستم از او خداحافظی کنم که خانمی میانسال با سر و وضعی آراسته بنزد ما آمد و گفت آقا از کرج به تهران آمده ام به امید اینکه شاید برای شستشو به خانه ای رفته اما از صبح تا بحال تمامی



نشریه ریگای که ل ارگان کمیته ایالتی کردستان سازمان به زبان کردی منتشر شد.

نشریه دان اولدوزو ارگان کمیته ایالتی آذربایجان سازمان به زبان ترکی آذری منتشر شد.

برای دریافت نشریات فوق به سایت سازمان در شبکه اینترنت مراجعه

چند خبر

حقوق کارگران هرروز پایمال می شود

کارگران هرروز شاهد پایمال شدن حقوق خود هستند و ادغام سازمان تامین اجتماعی در قالب لایحه تشکیل وزارت رفاه و تامین اجتماعی نمونه بارز این امر است.

به گزارش خبرنگار سرویس کارگری ایلنا (چنگیز اصلانی)، دبیر اجرایی خانه کارگر همدان، در جلسه ماهیانه شوراهاى اسلامی کار این استان، ضمن مخالفت شدید با طرح تشکیل وزارت رفاه و تامین اجتماعی گفت: با اجرای این طرح، درمان و بازنشستگی کارگران با خطر نابودی مواجه می شود و معضلی بزرگ برای جامعه کارگری بوجود می آید. وی با اظهار نگرانی از سرنوشت کارگران پس از تشکیل وزارتخانه مذکور گفت: ادغام سازمان تامین اجتماعی در دو صورت مورد قبول جامعه کارگری است، یا این ادغام باید در وزارت کار صورت گیرد و یا اینکه در صورت ادغام سازمان تامین اجتماعی، استقلال صندوق تامین اجتماعی حفظ شود.

دبیر اجرایی خانه کارگر همدان تصریح کرد: هر فشاری به غیر از کارگران مورد توجه مسئولان است و حق و حقوق خود را به طور کامل دریافت می کند و تنها جامعه کارگری است که مورد بی حرمتی قرار می گیرد و حقوق خود را پایمال شده می بیند.

این مقام کارگری در بخش دیگری از سخنان خود با انتقاد شدید از وزارت بازرگانی گفت: وزارت بازرگانی باید پاسخگو باشد که چرا اجناس نامرغوب را به عنوان اجناس بن کارگری به این قشر محروم تحمیل می کند.

دستمزد کارگران هیچگاه به صورت حقیقی افزایش نیافته است

قراردادهای موقت کار، سخت و زیان آور بودن کار در محیط بیمارستان و پائین بودن سطح دستمزد که باعث می شود، پرستاران، گاهی در سه شیفت کار کنند، از مهمترین مشکلات کارگران مراکز بیمارستانی است. به گزارش خبرنگار سرویس کارگری ایلنا، (مسعود نیازی)، رئیس هیات مدیره اتحادیه کارکنان بیمارستانی و مراکز درمانی، ضمن بیان این مطلب گفت: بر اساس مقاوله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار و مواد ۵ و ۶ قطعنامه چهارمین همایش ملی کار، دولت موظف شده است تا تشکلهای صنفی را به رسمیت بشناسد و زمینه تشکیل آنها را فراهم کند، اما در حال حاضر نشانه ای از فراهم کردن تسهیلات برای تحقق این امر دیده نمی شود.

وی افزود: همه کارگران ایران از نظر معیشت در تنگنا هستند، چراکه

دستمزدها هیچگاه بصورت حقیقی افزایش نیافته است و همواره نورم اسمس اعلام شده توسط بانک مرکزی، مبنای تعیین حداقل دستمزدها قرار گرفته است. در حالی که نورم مذکور، از واقعیت دور است. این مقام کارگری تصریح کرد: با این اوصاف، کارگران بیمارستانها، از نظر تعیین ضرایب ریالی و طرح طبقه بندی مشاغل در پائین ترین رتبه ها قرار دارند و اگر بخواهیم یک پرستار را با شرایط و سوابق کاری مساوی با یک کارگر شاغل در واحد های تولیدی مقایسه کنیم، میبینیم که گاه، حقوق کارگران صنعتی ۴ برابر پرستاران است. نیازی در خاتمه گفت: ضرایب ریالی طرح طبقه بندی مشاغل در بیمارستانها ۲۲٪ است، در حالیکه این ضریب در واحدهای تولیدی تا میزان ۸۸٪ قابل افزایش است و این احجافی است که در حق پرستاران روا داشته شده است.

مسئولان قضائی با متخلفین کار کودکان برخورد جدی ندارند

مجازاتهایی که در خصوص کار کودک در ایران اعمال می شود، کافی نیست و از سوی دیگر نیز، ضمانت اجرایی لازم برای تحقق ممنوعیت کار کودکان پیشبینی نشده است.

به گزارش خبرنگار سرویس کارگری ایلنا، (آرش فراز)، دبیر مرکز پژوهش های حقوقی خانه کارگر، ضمن بیان این مطلب گفت: کارشناسان امر، در خصوص کار کودک، بحث و بررسی های مفصلی میکنند. اما مقامات قضائی کشور که حافظ امنیت و نظم اجتماعی و تامین کننده حقوق عمومی مردم هستند، روی کردی قاطع و جدی برای الزام مسئولان به انجام وظایفشان در در تعقیب و مجازات متخلفین کار کودک ندارند. وی افزود: هیچکس، در هیچ جایگاهی، از کار کودکان دفاع نمی کند. اما در شرایط حاضر اهرمهای نظارتی و عوامل بازدارنده ای که بتوانند علاوه بر مجازات سو استفاده کنندگان از کار کودکان، باعث ایجاد فضای پیشگیری شوند، به اندازه کافی وجود ندارد. دبیر مرکز پژوهش های حقوقی خانه کارگر در ادامه اظهار داشت: تشکلات کارگری آمادگی دارند تا در صورت اعلام نیاز دستگاه قضائی، در ریشه ها و عوامل عینی کار کودک و مرتکبین به این عمل نمایند. فراز در خاتمه تاکید کرد: تشکلهای کارگری آماده اند تا افراد، نهادها و بخشهای صنفی و کارگاهی متخلف را شناسائی و معرفی کنند.

بقیه در صفحه بعد

تجاوز تیمی به دختران...

بقیه از صفحه قبل

تعمیلی کارخانجات به استان هرمزگان نیز سرایت کرد

مسئولان امر و مدیران صنایع هرمزگان با تعطیلی و انتقال کارخانه ریسندگی و رنگرزی هرمز نخ موافقت کردند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، تشکیلات خانه کارگر هرمزگان نوشته است: با همت مسئولان استان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی استان هرمزگان تعطیلی کارخانجات به استان هرمزگان نیز سرایت کرد. در ادامه این نامه آمده است: در پی ادعای مسئولان امر و مدیران صنایع هرمزگان بیش از ۱۰ نفر از کارگران کارخانه ریسندگی و رنگرزی هرمز نخ با سابقه کاری ۱۰ سال به بالا بیکار شدند. همچنین، در قسمت دیگری از این نامه آمده است: کارگران شاغل در کارخانه هرمز نخ طی سالیان گذشته با گذشت از بعضی مزایای قانونی خود از جمله طرح طبقه بندی مشاغل به حمایت از کارفرما و حفظ وجود صنعت در این استان همت گماشتند. اما کارفرمای این واحد صنعتی به نسبت سدهی بیشتر و با دریافت موافقت مدیران صنایع مبنی بر انتقال این کارخانه پاداش این کارگران را با بیکاری و از بین رفتن شغلی پاسخ دادند. خانه کارگر تشکیلات هرمزگان در خاتمه آورده است: متأسفانه تاکنون مدیران و مسئولان محترم استانی و نمایندگان محترم مردم در مجلس شورای اسلامی هیچ گونه پاسخ و پیگیری مبتنی بر استوداد کارگران این کارخانه نداده و کارگران هنوز در راهروهای اداره کل کار و امور اجتماعی استان و در کارخانه مذکور سردرگمند.

تصویب ماده ۹۴ نظام صنفی، خیانت به جامعه کارگریست

تصویب ماده ۹۴ خیانت دیگری است که مجلس در حق کارگران روا داشته زیرا با تصویب این قانون کارگران از مزایای سازمان تامین اجتماعی محروم می شوند.

به گزارش سرویس خبری ایلنا، ایرج بهرام نژاد دبیر اجرایی خانه کارگر کردستان با اعلام این مطلب گفت: کارگری که چندین سال کار کرده و بیمه نشده است نیازمند حمایت است در حالیکه مجلس با تصویب ماده ۹۴ او را در مقابل کارفرما قرار میدهد.

بهرام نژاد گفت: نقطه ضعف دیگر این ماده قانونی نادیده گرفتن سازمان تامین اجتماعی به عنوان یک ارگان نظارتی است که با تصویب این قانون ضعیف می شود. وی با اشاره به موقعیت استان کردستان در صنعت و اشتغال گفت: استان کردستان از وجود کارخانه های بزرگ

محروم است و بافت آن به نوعی است که کارگاههای کوچک بیشتر است و همین تعداد اندک نیز با تصویب طرح هایی نظیر خروج کارگاههای کمتر از ۵ و ۱۰ نفر از حمایت قانون کار دچار مشکل هستند.

وی با انتقاد از عملکرد مجلس ششم گفت: این مجلس با مصوبات خود در برابر جامعه کارگری جبهه گیری کرده و آنچه عمل کرده که گوئی نماینده جناح سرمایه داران است و هرچه تصویب می کند تنها رفاه سرمایه دار را در نظر می گیرد و سایر افشار تحت الشعاع قشر سرمایه دار است.

بهرام نژاد با اشاره به تصویب تشکیل وزارت رفاه و تامین اجتماعی گفت: با تصویب لایحه وزارت رفاه و تامین اجتماعی برنامه سوم توسعه زیر سؤال رفت زیرا قرار بر کوچک شدن دولت بود و از طرف دیگر گروه گروه افراد بیمار و ناتوان را به سازمان تامین اجتماعی سرازیر کرد که این موضوع با توجه به خصوصی بودن سازمان تامین اجتماعی جای سؤال دارد.

راهپیمایی کارگران لوله سازی خوزستان

کارگران جاده اهواز_خرمشهر را بستند

کارگران شاغل در شرکت لوله سازی خوزستان، در اعتراض به واگذاری این کارخانه به بخش خصوصی و عدم دریافت ۴ ماه از دستمزدشان، به مدت ۲۰ دقیقه جاده اصلی اهواز خرمشهر را بستند. این کارگران از محل کارخانه تا مقابل استانداری خوزستان راهپیمائی کردند. به گزارش خبرنگار سرویس کارگری ایلنا، (غلامرضا ابوطالبی)، دبیر اجرایی خانه های کارگر مناطق جنوب کشور در این رابطه گفت: شرکت لوله سازی خوزستان، در ادامه روند خصوصی سازی، از بانک صنعت و معدن به بخش خصوصی واگذار شد که بخش خصوصی نیز در تنظیم سند و دریافت تسهیلات از بانکها دچار مشکل شده است. ابوطالبی گفت: به دنبال بروز مشکلات برای این کارخانه، جلسات متعدد سیاسی- اقتصادی در محل استانداری برگزار شد و طی آن مشکلات لوله سازی خوزستان بررسی شد.

وی افزود: در این جلسات، مالک فعلی کارخانه مشکل این واحد را شامل ۳۴ میلیارد ریال بدهی به سازمان تامین اجتماعی، ۱۴ میلیارد ریال بدهی به ادارات آب و برق، ۱۹ میلیارد ریال بدهی به آب و فاضلاب، ۱۶ میلیارد ریال بدهی به پیمانکاران، ۴ میلیارد ریال بابت مطالبات پرسنل تا آذر ۸۲، یک میلیارد ریال بدهی به سازمان فنی و

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

کارگران شرکت نساجی پارس ایران در برابر اداره کل کار و امور اجتماعی گیلان تجمع کردند

در حدود ۵۰ تن از کارگران شرکت نساجی پارس ایران که بیش از ۷ ماه است حقوق و مزایای قانونی خود را دریافت نکرده اند، در مقابل درب اداره کل کار استان گیلان تجمع کردند.

محمد یعقوبی دبیر اجرایی خانه کارگر گیلان به ایلنا گفت: کارگران شرکت نساجی پارس ایران که در محل اداره کل کار و امور اجتماعی استان گیلان تجمع کرده و بیش از ۷ ماه حقوق و مزایا طلبکارند، خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند. وی افزود: این کارگران با توجه به اینکه ۷ ماه است که حقوق دریافت نکرده و منبع درآمد دیگری نیز ندارند از اینکه توان تأمین مخارج زندگی را نداشته و شرمند خانواده شده اند به عنوان آخرین راه چاره به تجمع در مقابل اداره کار متوسل شده اند. یعقوبی گفت: شرکت نساجی پارس ایران دارای ۳۸ نفر کارگر بوده و از بزرگترین کارخانجات نساجی کشور است. وی افزود: این شرکت در گذشته صادرات داشته و مدیریت این شرکت از بابت جایزه ارزی صادراتی بیش از ۷۰۰ میلیون تومان از دولت طلبکار است و اگر این مبلغ به شرکت پرداخت شود کلیه مشکلات آن از جمله حقوق و مزایای قانونی کارگران پرداخت خواهد شد. دبیر اجرایی خانه کارگر گیلان گفت: نوبخت نماینده مردم رشت در مجلس شورای اسلامی با تلاش و پیگیری موفق شده بابت ارز صادراتی مذکور مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان از وزارت بازرگانی دریافت کند که حقوق معوقه کارگران ۸۰ سال از این محل پرداخت شد.

کارگران معترض شرکت فرش گیلان در برابر اداره کار تجمع کردند

کارگران شرکت فرش گیلان بدنبال اعتراض به مصوبه اخیر شورایی عالی کار مبنی بر استفاده مجدد کارگران از بیمه بیکاری این بار در مقابل درب ورودی اداره کل تأمین اجتماعی گیلان تجمع کرده و خواستار برخورد مسئولان با این تصمیم شورای عالی کار شدند. محمد یعقوبی دبیر اجرایی خانه کارگر گیلان به ایلنا گفت: کارگران شرکت فرش گیلان چندین ماه است که با بحران مواجه اند و به دنبال تجمع و راهپیمائی در نوبتهای گذشته و عدم دستیابی به خواسته های قانونی و

بقیه در صفحه بعد

حرفه ای، ۷۳۱ میلیون ریال بدهی به شرکت گاز، ۲۹ میلیارد ریال بابت بازخرید پرسنل، ۶ میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال بابت پرداختهای متفرقه و در مجموع ۱۴۱ میلیارد ریال اعلام کرد.

وی تصریح کرد: مالک جدید لوله سازی اهواز، برای انتقال اسناد شرکت به بخش خصوصی، نیاز به تسویه حساب از دارائی، شهرداری و تأمین اجتماعی دارد که به دلیل بدهی های شرکت، امکان انتقال و فک رهن وجود ندارد.

وی افزود: حدود ۲ ماه از تعطیلی کارخانه میگذرد و کارگران بیش از ۴ ماه است که حقوق نگرفته اند.

ابوطالبی گفت: مشکلات کارخانه لوله سازی اهواز، بارها مورد بحث و بررسی قرار گرفته و نمایندگان جامعه کارگری و نمایندگان استان در مجلس از این شرکت بازدید کرده اند، اما مشکل همچنان باقیست.

کارگران شرکت احیاگستر دست به اعتصاب زدند

روز دوشنبه ۲۲ دیماه کارگران شرکت احیاگستر ایران خودرو وقتی که به آنها اعلام شد که روزهای جمعه در دو شیفت (از ساعت ۱۶ تا ساعت ۷ صبح روز بعد) سر کار حاضر شده ولی یک شیفت آن به عنوان کار عادی تلقی و نصف آن اضافه کار محسوب خواهد شد، نسبت به این مسئله به شدت معترض شده و ساعت ۹ شب دست به اعتصاب زده و از خوردن شام خودداری کردند. با ورود مامورین حراست دامنه اعتراضات بالا گرفت و کارگران خواسته های دیگری را مطرح کردند و اعلام نمودند تا خواسته های آنها برآورده نشود هرسب از خوردن غذا خودداری خواهند کرد.

خواستهای کارگران احیاگستر بدین شرح بود:

- ۱- ما خواستار امنیت جانی و شغلی و شناسائی مسبب مرگ همکار خود امید اولادی که چند روز قبل در سالن خط تولید فوت کرد هستیم.
- ۲- ما روزهای جمعه تحت هیچ شرایطی کار عادی نخواهیم کرد چون در هیچ قانونی چنین چیزی وجود ندارد.
- ۳- ما خواهان دریافت حق افزایش تولید (آکورد) و تمام مزایای متعلقه) مثل نیروهای رسمی شرکت ایران خودرو میباشیم.
- ۴- ما خواهان دریافت حقوق برابر و افزایش تولید برابر (رکورد) با کارگران شرکت ایران خودرو میباشیم.
- ۵- ما خواهان انحلال شرکت پیمانکاری و خدماتی احیاگستر سبز و استخدام رسمی در شرکت ایران خودرو هستیم.

کمیته های انقلابی...

از زبان مقامات!

بقیه از صفحه قبل

بیانیه کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور : مجلس ششم، در پایان عمر خود، ضربات را برپیکر کارگران تشدید می‌کند

مجلس ششم در پایان عمر خود، ضربات پیاپی را بر پیکر ضعیف کارگران وارد می‌کند که با مروری بر مصوبات اخیر و بررسی نتیجه آن ها برای کارگران، این عمر قابل اثبات است.

به گزارش سرویس کارگری ایلنا، کانون عالی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور با صدور بیانیه ای، ضمن تأکید بر این مطلب افزوده است : در اسفند ماه سال ۷۸ ، قانون خروج کارگاه های زیر ۵ نفر از شمول قانون کار و تأمین اجتماعی، در مجلس ششم تصویب شد، پس از آن، در موارد متعدد و بیشماری، در خواست احقاق حقوق معوقه و مطالبات کارگری، به مراجع و هیات های تشخیص و حل اختلاف ارجاع شده است، ولی به دلیل آن که این هیات به استناد مصوبه مذکور، صلاحیت رسیدگی را در خود نمی‌دیدند. اقدام به رد درخواست های این گروه از کارگران نمودند، این کارگران که از حق داشتن بیمه های تأمین اجتماعی و بی کاری محروم شده اند، بدون کوچکترین حمایت قانونی در جامعه رها شده و متأسفانه مجلس، نام این لایحه را حمایت از توسعه سرمایه گذاری و اشتغال در واحدهای کوچک گذاشته است، در صورتی که تنها اثری که متوجه این مصوبه نشد، اثر اشغال زایی آن بود و شاید در برخی موارد ضد اشتغال نیز عمل کرد.

در ادامه بیانیه آمده است : پس از این مصوبه، مجلس لایحه خروج کارگران قالی باف از کل قانون کار و تأمین اجتماعی را به تصویب رساند، این مصوبه که متوجه یکی از مظلوم ترین و یکی از فقیرترین قشر از جامعه کارگری کشور شده است، حذف حداقل های قانونی را برای این گروه از کارگران واجب دانسته و آنان را حتی از شمول قوانین حفاظت و امنی و بهداشت کار نیز محروم کرده است، در حالی که قالی بافان، عمداً زنان و دختران روستایی هستند که با مشقت تمام و بدون حمایت مشغول کار در کارگاه های قالی بافی می‌باشند.

در قسمت دیگری از بیانیه کانون عالی شوراهای اسلامی کار آمده است : سومین مصوبه ای که کارگران و حقوق آنان را هدف قرار داده، لایحه ایجاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی است که در آن کل موجودیت سازمان از مالکین فعلی آن سلب شده و با یک ترکیب کاملاً دولتی در اختیار متولیان دولتی قرار گرفته است

بیانیه اضافه می‌کند: آخرین مصوبه مجلس ششم، تصویب قانون نظام

بقیه در صفحه بعد

انسانی این بار در مقابل اداره کل تأمین اجتماعی تجمع کرده و از مدیر کل تأمین اجتماعی گیلان خواستند از در اختیار قرار گرفتن آنان برای پرداخت بیمه بیکاری جلوگیری کند. یعقوبی گفت: این کارگران که در حدود یکصد نفر بودند، اعلام کردند ما خواهان کار هستیم و بیمه بیکاری باعث تبلیب می‌شود. وی افزود: این شرکت با موافقت شورای عالی کار و طرح اصلاح ساختار به مدت ۱۵ ماه کارگران را در اختیار بیمه بیکاری قرار داده که پس از پایان این مدت و بر اساس رای اداره کل کار استان از اول مهر ۸۲ حکم بازگشت به کار کارگران این شرکت صادر شد. دبیر اجرائی خانه کارگر گیلان گفت: با توجه به مهلتی که شورای عالی کار به مسئولان این شرکت داده بود تاکنون هیچ اصلاح ساختاری در شرکت فرش گیلان به عمل نیامده و مدیر عامل این شرکت طی نشستی که با کمیسیون استان داشت، در تلاش است کارخانه را منحل کند و با نفوذی که در شورای عالی کار دارد موجب شده نظر وزیر کار و اعضای شورای عالی کار نیز در این زمینه جلب شود.

بشنوید از معاملات پرسود پشت پرده، تا راز چشمک و چراغ امپریالیست های اروپایی به جمهوری جهل و جنایت را دریابید! واگذاری بزرگ ترین پایانه تجاری کشور به انگلیس

سازمان بنادر و کشتیرانی با وجود گذشت بیش از یک ماه از برگزاری مزایده واگذاری بندر شهید رجایی، هنوز نسبت به اعلام برنده قانونی آن، اقدام نکرده است و قصد دارد، یک شرکت انگلیسی را که شماری از چهره های ایرانی نیز در آن نفوذ دارند و نفر آخر مزایده شده است، به عنوان برنده اعلام کند.

همچنین در این پیام، واگذاری بزرگترین پایانه تجاری کشور که اکنون با ظرفیت ۹۵۰ هزار کانتینر فعال است و آماده افزایش ظرفیت تا ۲۱۰ میلیون کانتینر نیز می‌باشد و ۸۰ درصد مبادلات خارجی کشور از طریق این بندر انجام می‌شود، "چوب حراج زدن" به سرمایه های ملی عنوان شده است.

نویسنده این پیام، واگذاری بندری را که با مشکلات فراوان در زمان جنگ ساخته شده و اکنون به اشباع ظرفیت خود نزدیک شده است، مغایر با اهداف خصوصی سازی و سرمایه گذاری خارجی - مبتنی بر انتقال دانش روز و سرمایه در برابر شیخ نشین های حاشیه خلیج فارس به ویژه امارات - قلمداد کرده است.

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

از زبان مقامات!

بقیه از صفحه قبل

را به سینه میزنید ولی در عمل با حواله دادن آنها به امامزاده های بی رونق و معجزه ای نظیر مجلس و تشویق کارگران به تسلیم خواهی از یک چنین مجلس و منبری و شورای نگهبان ارتجاع و وابسته به باندهای قدرت و ثروت که خون کارگران را به شیشه کرده اند، دارید خاک به چشم کارگران میپاشید کارگران ایران برای احقاق حقوقشان به نیروی خود متکی هستند کارگران ایران باید با ایجاد تشکل و اتحاد بین خود صفوف خویش را مستحکم کرده و آنگاه حق و حقوق خود را از حقوق دولت و کارفرماها بگیرند و افزون بر آن با دست زدن به یک اعتصاب عمومی و قیام مسلحانه تومار این رژیم جهل و جنایت را بسته و خود حاکم بر سر نوشت خویش بشوند.

کس نخارد پشت من، جز ناخن انگشت من!

((نماینده)) کارگران ایران در سازمان بین المللی کار: برخی مصوبات مجلس به تجارت علنی انسانها انجامیده است تجارت علنی انسانها و پایمال شدن حقوق ملت در شرایطی صورت می گیرد که قوانین مربوط به آن به وسیله مجلس شورای اسلامی و در حکومت اسلامی به تصویب می رسد.

خبرگزاریها از قول ((نماینده)) کارگران در سازمان بین المللی کار مینویسند: بررسی شیوه عمل شرکت های پیمانی و خدماتی نشان می دهد که روش آنها، تفاوت چندانی با برده داری در دوران جاهلیت و قرون وسطی ندارد، زیرا این قبیل شرکت ها از یک طرف در مناقصه سازمان های دولتی و واحدهای تولیدی بزرگ شرکت کرده و قرارداد می بندند و از طرف دیگر با جوانان جویای کار و افراد بی کار، قراردادهای روز مزد و کوتاه مدت بسته و از این طریق افراد بیچاره را در اختیار سازمان ها و واحدهای تولیدی قرار می دهند، در حالی که بسیاری از این سازمانها و واحدهای تولیدی، به نیروی کار دائم و همیشگی نیاز دارند.

وی افزود: مؤسسان این گونه شرکت های خدماتی و پیمانکاری، اغلب از مدیران و مسئولان شرکت جویای کار بوده و این افراد سودجو در پناه قوانین مصوب مجلس، حق و حقوق کارگران را ضایع کرده و به دلیل نبودن امنیت شغلی و حمایت لازم، کارگران حاضر به هیچگونه اعتراضی نیستند.

سلیمان در خاتمه گفت: به واسطه چنین قوانینی و شیوه اجرای آنها، نظام اقتصاد سرما که داری ترویج شده و سرمایه داران، ثروتمندتر و مستضعفین، روز به روز فقیرتر میشوند که با توجه به شرایط خاص کشور، کسی باید جواب گوی این شرایط باشد.

بقیه در صفحه بعد

صنفاست که در آن به یک باره سعی شده بود که کارگران کارگاه های زیر ۱۰ نفر از شمول قانون کار و تأمین اجتماعی خارج شوند، اگر چه با بخت و اقبال و هم چنین با همراهی برخی از نمایندگان مجلس و با تلاش های فراوان محبوب و دیگر نمایندگان جامعه کارگری، این لایحه در مجلس رأی نیاورد، ولی در راستای همین امر، ماده ۹۴ لایحه نظام صنفی از تصویب نمایندگان مجلس گذشت، این ماده از قانون می گوید: سازمان تأمین اجتماعی، حق ورود به کارگاه ها برای بازسازی و وصول مطالبات سازمان به استناد ماده ۳۶ قانون تأمین اجتماعی را ندارد، ولی اگر کارگران به شکل انفرادی اقدام به شکایت کنند، سازمان موظف به رسیدگی و احقاق حقوق وی می باشد. در ادامه بیانیه آمده است: همه واقفیم که اساساً چنین اتفاقی حداقل در شرایط اقتصادی فعلی رخ نخواهد داد، به عبارت دیگر، کارگری که نیازمند کار و حداقل حقوق حاصله از آن برای گذراندن امور زندگی خود است، هیچ گاه به قیمت از دست دادن احتمالی آن، حتی فکر شکایت از کار فرما را برای احراز سوابق بیمه ای خود نخواهد کرد، چه رسد به عمل.

بیانیه تصریح می کند: متأسفانه مجلس، با علم به این موضوع، نسبت به تصویب این ماده صدور رأی کرده است و سازمان تأمین اجتماعی نیز که دیگر نقش مدیریت آن برای همه کارگران آشکار شده است، در این خصوص کوچک ترین حرکتی از خود بروز نداده و نمی دهد. در خاتمه بیانیه آمده است: نیروی انتظامی، از تجمع کارگران با توافق بر سر این موضوع که نقطه نظرات کارگران و مشکلات کارگری در مصوبات آینده مجلس لحاظ خواهد شد، ممانعت به عمل آورد، ولی ما هیچ پشرفتی در خصوص اعمال دیدگاه های کارگران در خصوص مصوبه های مجلس مشاهده نکردیم و در عوض شدت تهاجمات به جامعه کارگری روز به روز بیشتر شده است؛ متأسفانه سقوط حقوق ها و سکوت دائمی ما به یک تکلیف تبدیل شده که ضمانت آن توسط نیروهای امنیتی باید تأمین شود؛ لذا ضمن درخواست از شورای محترم نگهبان در خصوص برگشت دادن لوایح مذکور به مجلس جهت اصلاح موارد قید شده، جامعه کارگری اعلام می کند که برای دفاع از حقوق خود و همچنین اعتراض به مصوبات اخیر مجلس، اقدام به اقداماتی از جمله برگزاری تجمعات اعتراض آمیز در سطح کشور خواهد زد و ما امید داریم که این حق شهروندی که قانون اساسی نیز بر آن تأکید نموده است، به وسیله نیروی محترم انتظامی و دستگاه های امنیتی از جامعه کارگری گرفته نشود.

حرف ما کارگران این است که آقایان محترم شما بظاهر سنگ کارگران

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!



بقیه از صفحه قبل

ما میگوییم سرمایه در پی کسب سود است ، چشم امید داشتن به ارگانها و کسانی که خود مسبب این بی حقوقی هستند عین جهالت است، درنظام سرمایه داری کارگر تنها با مبارزه روزمره خودش و به اعتبار قدرت همبستگی طبقاتی اش است که میتواند جلوی تعرض روزمره سرمایه داران به زندگی اش را بگیرد و از حق و حقوق خودش دفاع بکند و خواسته های خودش را به کرسی بنشاند و اینرا تمام زندگی و مبارزه کارگران در سراسر جهان در طول تاریخ به اثبات رسانده است. با این حال اما معلوم نیست چرا این باصطلاح نماینده کارگران ، حیران مانده که چه کسی باید جوابگوی این شرایط باشد !?

اعتصاب کارگران نورد اهواز!

خبرگزاری پیک ایران، اطلاع میدهد که کارگران مبارز نوردلوله اهواز از امروز صبح در اعتراض به تاخیر ۵ ماهه در پرداخت حقوق و مزایای خود دست به اعتصاب و تظاهرات زده اند ،طبق گزارش شاهد عینی ، قبل از اعلام اعتصاب مذاکرات نمایندگان کارگران با مقامات دولتی و مدیران شرکت به نتیجه نرسیده و کارگران دیگر حاضر به قبول وعده وعید های مدیریت نشده اند ،این اعتصاب و راهپیمایی کماکان ادامه دارد . پلیس ضد شورش و سایر نیروهای سرکوبگر در اطراف کارگران بسیج شده اند . اعتصاب کارگران لوله و نورد اهواز در حالی آغاز میگردد که هم اکنون کارگران ده ها کارخانه دیگر با خواست های مشابه در حال اعتراض و اعتصاب و یا بلاتکلیفی به سر میبرند . تردیدی نیست که در چنین شرایط حساسی که دولت و کارفرماها اقدامات وسیع و همه جانبه ای را در جهت تضییق حقوق کارگران در پیش گرفته اند ، غلبه بر پر اکنندگی و اتحاد مبارزاتی کارگران سراسر کشور تنها راه تضمین کننده پیروزی محسوب میگردد. وظیفه کارگران پیشرو این کارخانه ها است که با سازماندهی تشکل های پایه ای ، نظیر کمیته های کارخانه و با تلفیق درست فعالیت علنی و مخفی ، با کارگران پیشرو سایر مراکز کارگری بویژه کارخانه ها و صنایعی که در حیران به سر میبرند ، تماس گرفته و این مبارزات را هماهنگ و متحد کنند. ما ضمن حمایت از کارگران اعتصابی نورد اهواز ، همه کارگران را به پشتیبانی از کارگران اعتصابی و به اتحاد و مبارزه سراسری فرامیخوانیم.

پیروز باد اتحاد مبارزاتی کارگران سراسر ایران !

سازمان

اتحاد فداییان کمونیست

نشریه جهان کمونیستی هر پانزده روز یکبار زیر نظر هیات سیاسی و با مسئولیت رفقای نامبرده در زیر منتشر میشود.

تحریریه:

نظام ص.

کلثوم س.

مصطفی ح.

بهرام ص.

مسئول اجرائی نشریه بهرام ص.

نشانی های تماس با اتحاد فدائیان کمونیست

www.fedayi.org

شورای مرکزی

centralconcil@fedayi.org

هیات سیاسی

politburo@fedayi.org

نشریه جهان کمونیستی

jahan@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان و دفتر نشریه دان اولدوزو

azer@fedayi.org Azerbaijan committe

امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org

فاکس اتحاد فدائیان کمونیست

+ (۴۶) ۳۱۷۷۹۲۵۷۱

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، زنده باد سوسیالیسم